

عنوان:

دیدگاه های کارشناسان کشاورزی در مورد برخی ویژگی های نظام های بهره برداری  
مورد: استان گلستان

نویسنده گان:

محمد رضا محبوبی

نور محمد آبیاری

## چکیده

تحقیق حاضر با هدف شناخت دیدگاه های کارشناسان کشاورزی در رابطه با برخی ویژگی های نظام های بهره برداری استان گلستان شامل شدت مکانیزاسیون، قابلیت و توانائی پس انداز، سرمایه گذاری، فقر، تغییر کاربری اراضی، آسیب پذیری در قبال سیاست تعدیل اقتصادی، تعامل با نهاد های دولتی و دانش فنی بهره برداران به اجرا در آمده است. تحقیق از نوع توصیفی و همبستگی بوده است. کلیه کارشناسان مراکز خدمات جهاد کشاورزی استان گلستان شامل ۴۰ نفر جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می دادند. روش نمونه گیری به شیوه تصادفی ساده بوده است. ابزار تحقیق پرسشنامه بوده و اطلاعات بدست آمده توسط نرم افزار SPSS تحت ویندوز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد از نظر اکثر کارشناسان، دانش فنی و مهارت های زراعی و ارتباط و تعامل دو سویه بهره برداران نظام بهره برداری تعاونی تولید با نهادهای اجرائی و دولتی بخش کشاورزی نسبت به سایر بهره برداران در وضعیت مطلوب تری است. همچنین اکثر آنان معتقدند شدت مکانیزاسیون، توانائی پس انداز درآمدهای کشاورزی و تغییر کاربری در مزارع نظام بهره برداری تجاری بزرگ بیشتر از سایر نظام ها می باشد. در عین حال اکثر آنان میزان فقر در نظام بهره برداری مشاع را بیشتر از سایر نظام های بهره برداری ارزیابی کرده اند. اتخاذ سیاست واقعی سازی قیمت نهاده های کشاورزی و فراهم سازی بسترهای مناسب حمایت های غیر قیمتی به ویژه اعتباری، نهادی، آموزشی، بیمه ای و درآمدی با مشارکت بهره برداران مشاعی و دهقانی با هدف سازگاری آنها با تحولات آتی اقتصاد ملی و جهانی از جمله پیشنهاد های این مطالعه است.

**واژه های کلیدی:** کارشناسان کشاورزی، نظام های بهره برداری، استان گلستان

## مقدمه

بهره برداری کشاورزی که به عنوان سلول اصلی فعالیت های کشاورزی محسوب می شود در عین حال که واقعیتی اقتصادی است، واقعیتی اجتماعی نیز تلقی می شود زیرا غالباً چارچوب زندگی یک خانواده کشاورزی را تشکیل می دهد و به همین علت می توان آن را از بنگاه صنعتی یا تجاری متمایز کرد. نظام بهره برداری به عنوان هسته مرکزی و تعیین کننده عامل بلافصل تولید کشاورزی، اساسی ترین مساله و چالش بخش کشاورزی ایران می باشد. نظام بهره برداری را می توان سازمانی اجتماعی مرکب از عناصری به هم پیوسته دانست که با هویت و مدیریتی واحد و در چارچوب شرایط اجتماعی و طبیعی محیط خود امکان تولید محصولات کشاورزی را فراهم سازد ( عبداللهی، ۱۳۷۷). در کشور ما نظام های بهره برداری شامل بهره برداری دهقانی ( واحدهای خرد و دهقانی)، نظام بهره برداری تعاونی، نظام بهره برداری تجاری ( مزارع و بهره برداری های شخصی - غیررسمی، شرکت های سهامی زراعی و کشت و صنعت) می باشند که خود بیانگر نوعی چندگانگی، تعدد و تنوع بوده و همواره این پرسش را برای سیاستگذاران و برنامه ریزان بخش کشاورزی مطرح ساخته است که کدام یک از نظام های بهره برداری بر مبنای استفاده عقلانی از داده های طبیعی محیط و ترکیب عوامل تولید یعنی آب، خاک، فناوری، سرمایه و نیروی کار دارای عملکرد بهتری است؟ کدام نظام بهره برداری با توجه به جمیع معیارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی و زیست محیطی در شرایط امروز کشور مناسب است؟ آنچه در بهره برداری کشاورزی از اهمیت ویژه ای برخوردار است استفاده عقلانی انسان از داده های طبیعی محیط و ترکیب عوامل تولید یعنی آب، خاک، سرمایه، فنون و نیروی کار است بدیهی است پاسخ به سئوالات مذکور و سئوالاتی از این قبیل مستلزم انجام بررسی های تطبیقی نظام های بهره برداری موجود در مناطق مختلف کشور می باشد. نتایج چنین پژوهش هایی می تواند پاسخگوی پرسش های مذکور بوده و به برنامه ریزان در تدوین سیاست نظام بهره برداری کارآمد بخش کشاورزی و بهره مندی مطلوب و بهینه از منابع پایه کشاورزی، بهبود درآمد بهره برداران، توسعه روستایی و رشد بخش کشاورزی کمک نماید.

بر اساس نتایج سرشماری عمومی کشاورزی سال ۱۳۷۲، در ایران بیش از ۲/۸ میلیون واحد بهره برداری وجود داشته که متوسط وسعت اراضی یک سوم آنها کمتر از یک هکتار بوده و بیش از ۸۰ درصد آنها کمتر از ۱۰ هکتار وسعت داشته اند که یک سوم کل اراضی کشاورزی کشور را در اختیار دارند (عبداللهی، ۱۳۷۷). در ایران از مقطع زمانی آغاز اصلاحات ارضی تا سال ۱۳۷۲ یعنی ظرف مدت ۳۰ سال تعداد بهره برداری ها از ۱/۸ میلیون به ۲/۸ میلیون و واحدهای خرد زیر ۱۰ هکتاری از ۱/۵ میلیون به حدود ۲/۴ میلیون افزایش یافته و متوسط هر واحد از ۶/۰۵ هکتار به ۵/۵ هکتار و متوسط اراضی هر واحد خرد از ۲/۹ هکتار به ۲/۴ هکتار آن هم به طور متوسط در پنج قطعه بسیار کوچک و پراکنده تقلیل یافته است ( آبیاری، ۱۳۸۲). این امر معرف این واقعیت است که در ایران روند افزایش بهره برداری ها به ویژه بهره برداری خرد و دهقانی و به تبع آن تقطیع و پراکندگی و کوچک تر شدن اراضی کشاورزی در قالب بهره برداری دهقانی بر تجمع و یکپارچه سازی در اندازه های قابل توجه پیشی گرفته است. این جریان بر خلاف روندی است که سایر کشورها در فرایند توسعه کشاورزی خود داشته اند. سابقه تاریخی، ضعف مبانی حقوقی مالکیت اراضی، اصلاحات ارضی رژیم شاه بر محور تقسیم نسق های زراعی، از هم پاشیدگی تعاونی های سنتی، انحلال شرکت های تعاونی، شرکت های سهامی زراعی و کشت و صنعت های بازمانده از رژیم سابق در اوایل انقلاب، تقسیم اراضی دولت

جمهوری اسلامی و قوانین غیررسمی ناظر بر ارث، واگذاری و یا خرید و فروش اراضی و بسیاری عوامل دیگر در امر تثبیت و تقویت بهره برداری های خرد به ویژه در قالب نظام دهقانی موثر بوده اند. نظامی که علاوه بر خردی و پراکندگی اراضی با مسائل دیگری از جمله ضعف سازمان و مدیریت، پائین بودن سطح اطلاعات، فناوری و توسعه و نیروی انسانی بی سواد و یا کم سواد و مشکل استفاده صحیح و مناسب از روش ها و فنون و ابزار و ماشین آلات نوین کشاورزی در جهت افزایش بهره وری با حفظ منابع و محیط زیست مواجه است (عبداللهی، ۱۳۷۷) (پاک نیا، ۱۳۸۴).

نظام بهره برداری تعاونی در همه اشکال آن جمعاً حدود پنج درصد از کل بهره برداری ها را تشکیل می دهد. متعاقب اصلاحات ارضی و واگذاری نسق های زراعی به کشاورزان، کسب استقلال فردی و رهائی آنان از تاروپود نظام ارباب و رعیتی و دستیابی به ابزار و ماشین آلات جدید، این گونه تعاونی ها روبه زوال نهادند. پس از اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۹ قانون تشکیل شرکت های تعاونی تولید روستائی با هدف یکپارچه سازی اراضی، به زراعی، استفاده صحیح و مناسب از ابزار و ماشین آلات کشاورزی، افزایش بهره وری و بهبود درآمد روستائیان با حفظ مالکیت فردی آنان، ایجاد صنایع وابسته به کشاورزی، بسط فعالیت های غیر کشاورزی تشکیل شد (عبداللهی، ۱۳۷۷) (پاک نیا، ۱۳۸۴).

بهره برداری های مشاع گونه دیگری از نظام بهره برداری کشور به شمار می روند که طبق لایحه واگذاری و احیا اراضی مصوب سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب به وسیله هیئت های موسوم به هفت نفره به وجود آمدند. با این که طبق اساسنامه در بهره برداری ها مالکیت اراضی مشاع است ولی در عمل و در بسیاری موارد اعضاء اراضی مشاع بهره برداری را بین خود تقسیم کرده اند و هر عضو به عنوان یک بهره بردار مستقل عمل می کند (نجفی، ۱۳۸۲) (پاک نیا، ۱۳۸۴). نظام های بهره برداری تجاری شامل واحدهای شخصی، شرکت های سهامی زراعی و کشت و صنعت ها است که در مجموع حدود ۱۴ درصد کل بهره برداری های موجود ایران را تشکیل می دهند. مزارع و واحدهای شخصی \_ شرکتی و غیررسمی گونه غالب و اکثریت قریب به اتفاق بهره برداری های تجاری را تشکیل می دهند. شرکت های سهامی زراعی هم متعاقب اصلاحات ارضی و با هدف یکپارچه سازی و اعمال مدیریت علمی در بکارگیری روش ها و استفاده از ماشین آلات نوین و توسعه صنایع وابسته به کشاورزی تشکیل شدند. در این بهره برداری ها حق استفاده مطلق و دایم اراضی، ابزار و منابع تولید زارعان عضو به شرکت واگذار می شد که این امر موجبات نارضایتی اعضاء را فراهم نموده بود به طوری که در اوایل انقلاب اکثریت قریب به اتفاق آنها یعنی ۸۸ شرکت از ۹۳ شرکت تشکیل یافته منحل شدند و تاکنون دولت و مردم هیچ کدام گرایشی نسبت به آنها از خود نشان نداده اند. داده های جدول ۱ نشان می دهد که بخش اعظم بهره برداری های کشاورزی استان گلستان را واحد های کوچک و دهقانی تشکیل می دهند (حدود ۸۵/۳ درصد) که وسعت اراضی آنها کمتر از ۱۰ هکتار است. ۱۲/۱ درصد واحدهای زراعی استان بین ۱۰ تا ۳۰ هکتار و ۱/۷ درصد آنها دارای وسعت ۳۱ تا ۵۰ هکتار هستند و اراضی بیش از ۵۰ هکتار سهم ۰/۹ درصدی از کل تعداد بهره برداری زراعی استان را به خود اختصاص می دهند. این نوع واحد های زراعی در این تحقیق تحت عنوان نظام های بهره برداری تجاری کوچک، متوسط و بزرگ تقسیم بندی شدند. تعاونی های تولید کشاورزی استان که در سال ۱۳۶۹ با تاسیس دو مورد شکل گرفته اند تا پایان سال ۱۳۸۵ به حدود ۶۰ واحد بالغ گردیدند (سازمان جهاد کشاورزی استان گلستان، ۱۳۸۷). در شرایط کنونی با توجه به وجود نظام های بهره برداری متنوع در استان و عملکرد متفاوت هر یک به نظر می رسد شناخت و ارزیابی آنها به منظور تشخیص نظام بهره برداری مطلوب و مناسب از نظر عملکرد، بهره وری عوامل، ایجاد اشتغال، تامین درآمد مناسب، الگوی صحیح و صرفه جوئی در مصرف منابع، تعامل مطلوب با نظام ترویج و آموزش کشاورزی و اتخاذ راهبرد مناسب برای کارآمد سازی نظام های بهره برداری ضرورتی است که لازم است بدان توجه جدی مبذول شود و این همان چیزی است که در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است.

جدول ۱\_ اندازه و توزیع بهره برداری های زراعی استان گلستان

طبقات بهره برداری	مساحت اراضی	درصد از کل مساحت	تعداد بهره برداری	درصد از کل بهره برداری ها
کمتر از ده هکتار	۳۱۳۶۵۴	۴۵/۹	۹۱۳۵۴	۸۵/۳
یازده تا ۳۰ هکتار	۲۰۸۱۴۴	۳۰/۵	۱۲۹۶۰	۱۲/۱
۳۱ تا ۵۰ هکتار	۶۶۲۶۴	۹/۷	۱۸۰۰	۱/۷
بزرگتر از ۵۰ هکتار	۹۵۲۱۸	۱۳/۹	۹۶۵	۰/۹
جمع کل	۶۸۳۲۸۰	۱۰۰	۱۰۷۰۷۹	۱۰۰

ماخذ: سازمان جهاد کشاورزی استان گلستان، ۱۳۸۷

شریف پور (۱۳۷۲) با تاکید بر سهم حدود ۷۸ درصدی بهره برداری های دهقانی در تولید ناخالص بخش کشاورزی بر پذیرش ساختار اجتماعی و فرهنگی آنها به عنوان یک واقعیت و ضرورت اقتصادی نمودن آنها تاکید می کند. از دیدگاه وی مشکلات بهره برداری های دهقانی عمدتاً مشکلات ساختاری و مربوط به جریان تولید است. آبیاری (۱۳۸۲) معتقد است اصلاح و تحول نظام های بهره برداری دهقانی می بایست به عنوان یک راهبرد اساسی سیاست کشاورزی مدنظر قرار گیرد. وی ویژگی های این نظام بهره برداری را با رویکرد اقتصادی و از منظر تنگناهای آن به ویژه در رابطه با مقولاتی چون پس انداز، سرمایه گذاری، درآمد سرانه و اعتبارات مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. یافته های اسلامی (۱۳۸۲) نشان می دهد که تعاونی یک اهرم مناسب برای توسعه اقتصادی است که می تواند همگام با سیاست های دولت در بهبود شرایط زندگی، کار، تولید و ارتقاء سطح درآمد و وضعیت اجتماعی مردم موثر باشد و چنانچه به طور اساسی مورد حمایت قرار گیرد بار هزینه های دولت را کاهش دهد. پایین بودن سطح سواد، دانش فنی و مدیریتی و بالا بودن سن اغلب بهره برداران در تعاونی های تولید کشاورزی و عدم پذیرش نوآوری و ریسک گریزی آنها توسط پورگنجی (۱۳۸۲) مورد تاکید قرار گرفته است.

علیزاده قمصری (۱۳۸۲) تشکیل و گسترش تعاونی های تولید کشاورزی با پیامدهای مثبتی مانند غلبه بر مشکلات خرده مالکی، تاخر علمی و تکنولوژیکی و عدم استفاده بهینه از منابع را یک ضرورت و الزام می داند اما برای نیل به این اهداف بر پایبندی به اصول اولیه تعاونی که توسط انجمن بین المللی تعاونی ها تعریف شده تاکید می کند. مطالعه عمانی و چیذری (۱۳۸۲) در مورد تاثیر عضویت در تعاونی تولید کشاورزی حاکی از تفاوت معنی دار دانش فنی، سطح مکانیزاسیون، سطح کشت گندم، درآمد محصول، اندازه مزرعه، عملکرد محصول، مشارکت اجتماعی گندمکاران عضو و غیر عضو تعاونی است. مطالعه نجفی (۱۳۸۴) در رابطه با اثرات تاسیس شرکت های تعاونی تولید نشان می دهد که این تعاونی ها در زمینه های اقتصادی کمی موفق بوده اند. از اثرات دیگر تشکیل تعاونی های تولید افزایش مهاجرت بوده و با مسائل جدی مانند ضعیف بودن علاقه و وفاداری اعضاء به شرکت روبرو می باشند.

در بررسی واحدهای کشت و صنعت خوزستان توسط زمانی فراهانی (۱۳۵۸) عملکرد آنها به دلایل عدم استفاده از منابع، بالا بودن هزینه ها، عدم توانایی در جلب مشارکت حقیقی زارعان، سوء استفاده های مالی، خروج سرمایه و عدم تطابق با شرایط اجتماعی نامطلوب ارزیابی شده است. در گزارش دفتر امور کشت و صنعت وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۶۷) ضمن قبول ضرورت ایجاد واحدهای جمعی لازم برای اقتصادی کردن کشاورزی، عملکرد برخی واحدهای کشت و صنعت مثل هفت تپه، مغان و مرغاب به لحاظ بازدهی، اشتغال، درآمد و انجام کارهای زیر بنایی ارزشیابی و تایید شده است. علاوه بر این ضمن تاکید بر این نکته که عدم استفاده از فناوری نوین مانع استفاده صحیح از منابع و افزایش بازده کشاورزی می شود برای کشت و صنعت ها ویژگی هائی چون قابلیت جذب سرمایه، ادغام صنعت و کشاورزی، بازاریابی محصول، استفاده بهینه از منابع و ایجاد اشتغال و... ذکر شده است. از کیا (۱۳۶۹) ضمن بررسی جامعه زراعی ایران و نظام های بهره برداری تا قبل از انقلاب اسلامی، بهره برداری مشاع را به عنوان یک شیوه تولید زراعی جدید در جامعه کشاورزی ایران مطرح می کند. به نظر او یکی از استراتژی های جمهوری اسلامی در زمینه توسعه روستایی، ایجاد واحدهای بهره برداری مبتنی بر مشاع های روستایی است. وی مسئله اول در مشاع ها را فقدان انگیزه مالکیت، مسئله دوم را نامرغوب بودن اراضی موات واگذار شده، مسئله سوم را کمبود سرمایه و مسئله چهارم را اختلال در تقسیم کار و اداره مشاع ها می داند.

ملانوری شمسی (۱۳۷۱) با بررسی کارکرد تعاونی های تولید کشاورزی نتیجه می گیرد برای افزایش بازدهی بخش کشاورزی می بایست موانعی چون کمبود نهاده های تولید مانند آب، کود، سم، سرمایه، بذور اصلاح شده، ماشین آلات، پراکندگی اراضی، عدم آگاهی کشاورزان به اصول صحیح کاشت و برداشت و عدم وجود نظام کشت واحد را برطرف نمود و این موانع از طریق تعاونی های کشاورزی قابل رفع می باشند. نجفی (۱۳۸۲) ضمن ذکر نکات قوت و ضعف نظام های بهره برداری، تعاونی ها را از نظر افزایش درآمد اعضا، حفظ استقلال فردی کشاورز، امکان کاربرد ماشین آلات و افزایش عملکرد در هکتار مناسب تر از شرکت های سهامی زراعی و کشت و صنعت ها و این دو را مناسب تر از مشاع ها می داند.

نتایج تحقیق عبداللهی (۱۳۷۷) حاکی است نظام بهره برداری تعاونی از نظر معیارهای چند گانه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی و زیست محیطی به ترتیب بالاترین عملکرد و نظام بهره برداری دهقانی و تعاونی های مشاع به ترتیب پایین ترین میزان عملکرد را داشته اند. در تحقیقی که تحت عنوان مطالعه و بررسی مقدماتی نظام ها و شیوه های تولید در وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۶۴) انجام شده، باتوجه به معیارهایی چون تناسب نظام با محیط، جلب مشارکت روستایی و حفظ یکپارچگی کشت، نظام های بهره برداری تعاونی های تولید روستایی مناسب تر معرفی شده اند. نتایج مطالعه محرابی و گیلانپور (۱۳۸۴) نشان دهنده رابطه هم جهت معنی دار بین اندازه مزرعه و سطح مکانیزاسیون در مجموع محصولات مورد مطالعه است. هم چنین نتایج نشان دهنده رابطه هم جهت معنی دار بین اندازه مزرعه و بهره وری ماشین آلات کشاورزی است. بررسی تطبیقی نظام های بهره برداری سنتی، سهامی زراعی و کشت و صنعت ها توسط حسینی ملک و علی مراد (۱۳۵۶) بیانگر آن است که نظام بهره برداری سنتی مبتنی بر نسق از کارایی بالایی برخوردار است و نظام های جدید به دلیل عدم تطابق با شرایط محیطی کارایی کمتری دارند.

نتایج تحقیق فرهنگ (۲۰۰۳) در مصر بیانگر آن است که عواملی نظیر جمعیت روستاها، سطح همکاری بین تعاونی ها و سازمان های دولتی و عضویت در سازمان های غیر دولتی تاثیر مثبت و معنی داری بر توانایی تعاونی های تولید کشاورزی در بسیج منابع و مشارکت آنها در توسعه کشاورزی دارد. هولدن و یوهانس (۲۰۰۱) عوامل نامنی و عدم ثبات اجاره اراضی و تاثیر آن بر انگیزه استفاده از نهاده در میان خانوارهای کشاورزی جنوب اتیوپی را مورد بررسی قرار دادند. در تمام نمونه ها اندازه مزرعه بطور معنی دار با نامنی همبستگی نداشت. آنان نتیجه گرفتند فقر و

محدودیت های معیشتی ممکن است فقدان استفاده بیشتر از نهاده های قابل خرید و فروش در مزارع کوچک را توجیه نمایند. بنابراین بازتوزیع زمین ممکن است دستیابی زارعین کوچک به نهاده های زراعی قابل خرید و فروش را بهبود بخشد.

تحقیق احمد ( ۲۰۰۲ ) حاکی است که نظام های سهم بری و استیجاری، کارائی فنی کم تری نسبت به نظام خرده مالکی داشتند که دلیل آن محدودیت اعمال شده بر آنها بوسیله مالکان و اثر متقابل بازار زمین با بازار نهاده می باشد. نتایج تحقیق گارت و هو ( ۲۰۰۲ ) نشان داد که کشش تولید مزارع سهم بری نسبت به مزارع دهقانی در تمام جوانب و نسبت به مزارع اجاره ای در برخی موارد بیشتر است. تسفای و همکاران ( ۲۰۰۵ ) کارائی مصرف عوامل تولید را در نظام های اجاره ای و سهم بری و عوامل موثر بر آن را بررسی نمودند. نتایج تخمین تابع تولید مرزی تصادفی، سطوح بالاتر کارائی فنی را در مزارع اجاره ای نسبت به مزارع سهم بری نشان می دهد. ریوس ( ۲۰۰۵ ) کارائی مزارع کوچک و بزرگ قهوه و عوامل موثر بر آن را در ویتنام بررسی نمود. بر اساس نتایج حاصله مزارع کوچک در مقایسه با مزارع بزرگ از کارائی کمتری برخوردار بودند که این خصوصیت عمدتاً متأثر از میزان سرمایه گذاری در زیرساخت های تامین آب زراعی می باشد.

اوبونا ( ۲۰۰۶ ) تاثیر خصوصیات مزرعه و کشاورز بر کارائی فنی مزارع را مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان داد که آموزش، دسترسی به اعتبارات و خدمات ترویجی بطور مثبت در بهبود کارائی فنی مساعدت می کنند. وانزیل و بینسوانگر ( ۱۹۹۵ ) دریافته اند که رابطه معکوس بین اندازه مزرعه و کارائی در مزارع تجاری وجود دارد و مزارع بزرگ به استفاده از فناوری سرمایه بر گرایش دارند در حالیکه مزارع کوچکتر عمدتاً از فناوری کاربر استفاده می کنند. به نظر می رسد که توانائی های مدیریتی در مزارع بزرگ بهتر می باشد.

هدف کلی تحقیق حاضر شناخت دیدگاه های کارشناسان کشاورزی در مورد ویژگی های نظام های بهره برداری استان گلستان در زمینه هایی چون شدت مکانیزاسیون، قابلیت و توانائی پس انداز و سرمایه گذاری، فقر، تغییر کاربری اراضی، دانش فنی بهره برداران، تعامل با نهاد های دولتی و آسیب پذیری در قبال سیاست تعدیل اقتصادی و اهداف اختصاصی آن شامل:

۱. تعیین ویژگی های نظام های بهره برداری دهقانی، تعاونی تولید، تجاری ( بزرگ، کوچک و متوسط)، مشاع و اجاره داری از نظر شدت مکانیزاسیون؛
۲. تعیین ویژگی های نظام های بهره برداری دهقانی، تعاونی تولید، تجاری (بزرگ، کوچک و متوسط)، مشاع و اجاره داری از نظر قابلیت و توانائی پس انداز و سرمایه گذاری؛
۳. تعیین ویژگی های نظام های بهره برداری دهقانی، تعاونی تولید، تجاری (بزرگ، کوچک و متوسط)، مشاع و اجاره داری از نظر فقر؛
۴. تعیین ویژگی های نظام های بهره برداری دهقانی، تعاونی تولید، تجاری (بزرگ، کوچک و متوسط)، مشاع و اجاره داری از نظر تغییر کاربری اراضی؛
۵. تعیین ویژگی های نظام های بهره برداری دهقانی، تعاونی تولید، تجاری (بزرگ، کوچک و متوسط)، مشاع و اجاره داری از نظر آسیب پذیری در قبال سیاست تعدیل اقتصادی؛
۶. تعیین ویژگی های نظام های بهره برداری دهقانی، تعاونی تولید، تجاری (بزرگ، کوچک و متوسط)، مشاع و اجاره داری از نظر تعامل با نهاد های دولتی؛
۷. تعیین ویژگی های نظام های بهره برداری دهقانی، تعاونی تولید، تجاری (بزرگ، کوچک و متوسط)، مشاع و اجاره داری از نظر دانش فنی بهره برداران بوده است.

## روش شناسی

این تحقیق از توصیفی و از نوع پیمایشی بوده است. کلیه کارشناسان کشاورزی شاغل در مراکز خدمات و ترویج کشاورزی استان گلستان به تعداد ۴۰ نفر جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می دادند که به شیوه تمام شماری تمامی آنان به عنوان نمونه های تحقیق انتخاب شدند. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه ای بوده است که حاوی سوالاتی در خصوص شناخت دیدگاه های کارشناسان کشاورزی در مورد برخی ویژگی های نظام های بهره برداری استان در زمینه هایی چون شدت مکانیزاسیون، قابلیت و توانائی پس انداز و سرمایه گذاری، فقر، تغییر کاربری اراضی، دانش فنی بهره برداران، تعامل با نهاد های دولتی و آسیب پذیری در قبال سیاست تعدیل اقتصادی بوده است. بر این اساس از کارشناسان مراکز خدمات جهاد کشاورزی استان خواسته شد که نظام های بهره برداری را بر حسب شدت مکانیزاسیون، قابلیت و توانائی پس انداز و سرمایه گذاری، فقر، تغییر کاربری اراضی، آسیب پذیری در قبال سیاست تعدیل اقتصادی، تعامل با نهاد های دولتی و دانش فنی بهره برداران رتبه بندی نموده و مناسب ترین آنها را معرفی نمایند. تکنیک های مورد استفاده در تجزیه و تحلیل داده ها شامل تکنیک های آمار توصیفی چون فراوانی و درصد بوده است.

## یافته ها و بحث

### ویژگی های افراد مورد بررسی

نتایج حاصل نشان داد ۳۸ نفر از پاسخگویان (۹۵ درصد) دارای مدرک تحصیلی لیسانس و ۲ نفر (۵ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد بوده اند. رشته تحصیلی ۲۵ نفر (۶۲/۵ درصد) آنان زراعت و ۱۵ نفر (۳۷/۵ درصد) گیاهپزشکی، ماشین های کشاورزی، صنایع غذایی و باغبانی بوده است. همچنین سابقه کار ۳ نفر (۷/۵ درصد) کمتر از ۱۵ سال، ۲۴ نفر (۶۰ درصد) ۱۵ تا ۲۰ سال، ۷ نفر (۱۷/۵ درصد) ۲۱ تا ۲۵ سال و ۶ نفر (۱۵ درصد) بالاتر از ۲۵ سال بوده است.

### دیدگاه های کارشناسان در مورد برخی ویژگی های نظام های بهره برداری

نتایج حاصل از دیدگاه های کارشناسان کشاورزی در مورد ویژگی های نظام های بهره برداری چون شدت مکانیزاسیون، قابلیت و توانائی پس انداز و سرمایه گذاری، فقر، تغییر کاربری اراضی، آسیب پذیری در قبال سیاست تعدیل اقتصادی، تعامل با نهاد های دولتی و دانش فنی بهره برداران به شرح زیر بوده است:

### دیدگاه های کارشناسان در مورد دانش فنی بهره برداران

بر اساس داده های جدول شماره ۲ ملاحظه می شود که ۶۴ درصد کارشناسان، بهره برداران نظام تعاونی تولید را از نظر دانش فنی و مهارت های زراعی در سطح نخست ارزیابی نموده و ۲۸ درصد نیز بهره برداران تجاری را دارای بیشترین دانش فنی دانسته اند. براین اساس و از نقطه نظر کارشناسان، بهره برداران عضو تعاونی تولید در شرایط مناسبی از نظر دانش فنی قرار دارند و این نظام بستر مناسبی برای ارتقا سطح مهارت های مدیریتی و دانش زراعی بهره برداران می باشد.

جدول ۲- فراوانی دیدگاه های کارشناسان در مورد دانش فنی زارعین نظام های بهره برداری

ردیف	نظام بهره برداری	فراوانی	درصد
۱	تعاونی تولید	۲۵	۶۴
۲	تجاری (بزرگ-کوچک-متوسط)	۱۱	۲۸
۵	دهقانی	۱	۲/۵



۰	-	مشاعی	۶
۷/۷	۳	اجاره داری	۷
۱۰۰	۴۰	جمع کل	

**دیدگاه های کارشناسان در مورد تعامل بهره برداران با نهادهای دولتی و اجرائی بخش کشاورزی**  
 بر اساس داده های جدول ۳ غالب پاسخگویان (۶۱/۵ درصد) معتقدند که ارتباط و تعامل دو سویه بهره برداران نظام بهره برداری تعاونی تولید با نهادهای اجرائی و دولتی بخش کشاورزی نسبت به سایر بهره برداران وضعیت مطلوب تری دارد.

جدول ۳- دیدگاه های کارشناسان در مورد تعامل بهره برداران با نهادهای اجرائی کشاورزی

ردیف	نظام بهره برداری	فراوانی	درصد
۱	تعاونی تولید	۲۴	۶۱/۵
۲	تجاری (بزرگ-کوچک-متوسط)	۱۳	۳۱
۵	دهقانی	۲	۵
۶	مشاعی	-	۰
۷	اجاره داری	۱	۲/۵
	جمع کل	۴۰	۱۰۰

### دیدگاه های کارشناسان در مورد آسیب پذیری بهره برداران در قبال سیاست حذف یارانه های کشاورزی

از کارشناسان کشاورزی استان خواسته شد که با توجه به تجربیات و شناخت خویش از ویژگی های اقتصادی و معیشتی بهره برداران، آثار احتمالی سیاست حذف یارانه های کشاورزی را بر حسب نوع نظام های بهره برداری استان ارزیابی نموده و آنها را بر حسب شدت آسیب پذیری متعاقب اعمال سیاست یاد شده رتبه بندی نمایند. بر این اساس ۶۰ درصد آنها اظهار داشتند که با اجرائی نمودن این سیاست، بهره برداران مشاع متحمل بیشترین آسیب پذیری شده و فعالیت حرفه ای و معیشتی آنها بطور قابل توجهی تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. علاوه بر این ۲۵ درصد آنان بیشترین آسیب پذیری را متعلق به بهره برداران دهقانی دانسته و ۷/۵ درصد نیز نظام بهره برداری تعاونی را آسیب پذیرتر اعلام نموده اند. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که میزان آسیب پذیری بهره برداران مشاعی و دهقانی بیشتر از سایر نظام ها خواهد بود.

جدول ۴- دیدگاه های کارشناسان در مورد آسیب پذیری در قبال سیاست حذف یارانه

ردیف	نظام بهره برداری	فراوانی	درصد
۱	تعاونی تولید	۳	۷/۵
۲	تجاری (بزرگ-کوچک-متوسط)	۲	۵
۵	دهقانی	۱۰	۲۵
۶	مشاعی	۲۳	۶۰
۷	اجاره داری	۱	۲/۵
	جمع کل	۴۰	۱۰۰

### دیدگاه های کارشناسان در مورد تغییر کاربری اراضی در نظام های بهره برداری مختلف

از کارشناسان کشاورزی خواسته شد که شدت تغییر کاربری اراضی نظام های بهره برداری حوزه تحت پوشش خود را رتبه بندی نمایند. ۷۱/۸ درصد آنها اظهار داشتند که میزان تغییر کاربری در مزارع نظام بهره برداری تجاری بیشتر می باشد و نظام های مشاعی، دهقانی و تعاونی تولید در رده های بعدی قرار دارند. با توجه به وسعت اراضی واحد های تجاری به نظر می رسد که این پدیده در مزارع مذکور طبیعی می باشد زیرا وابستگی بهره برداران دهقانی، مشاعی و تعاونی تولید به اراضی زراعی حیاتی بوده و تمایل آنها برای تغییر کاربری اراضی کمتر می باشد.

جدول ۵- دیدگاه های کارشناسان در مورد شدت تغییر کاربری اراضی در نظام های بهره برداری

ردیف	نظام بهره برداری	فراوانی	درصد
۱	تعاونی تولید	۲	۵
۲	تجاری (بزرگ-کوچک-متوسط)	۲۸	۷۱/۸
۵	دهقانی	۵	۱۲
۶	مشاعی	۵	۱۲
۷	اجاره داری	-	۰
	جمع کل		۱۰۰

### دیدگاه های کارشناسان در مورد شدت مکانیزاسیون در نظام های بهره برداری

بر اساس نتایج حاصله ۵۷/۵ درصد پاسخگویان اظهار داشتند که شدت مکانیزاسیون در نظام های بهره برداری تجاری بیشتر از سایر نظام ها بوده و نظام تعاونی تولید در رده دوم قرار دارد. با توجه به وسعت مزارع تجاری و مسائل مدیریتی خاص آنها، کاربرد بیشتر ماشین آلات و ادوات کشاورزی و نیز تاسیسات زیربنائی در این نظام امری طبیعی و ضروری به نظر می رسد. از سوی دیگر با توجه به ساختار نظام بهره برداری تعاونی تولید و حمایت های دولت از این نظام بهره برداری، سرمایه گذاری زیرساختی و نیز توانائی تعاونی ها در دسترسی به منابع مالی و اعتباری، می توان انتظار داشت که روند مکانیزاسیون مزارع تعاونی نیز با وضعیت مطلوبی صورت گیرد زیرا در این نظام بهره برداری تامین و ارائه خدمات مکانیزه و ماشینی به صورت گروهی و تعاونی صورت می گیرد در حالی که سرمایه گذاری در این امور از عهده هر یک از بهره برداران به تنهایی خارج است.

جدول ۶- فراوانی دیدگاه های کارشناسان در مورد با شدت مکانیزاسیون در نظام های بهره برداری

ردیف	نظام بهره برداری	فراوانی	درصد
۱	تعاونی تولید	۱۰	۲۵
۲	تجاری (بزرگ-کوچک-متوسط)	۲۳	۵۷/۵
۵	دهقانی	۴	۱۰
۶	مشاعی	۲	۵
۷	اجاره داری	۱	۲/۵
	جمع کل	۴۰	۱۰۰

### دیدگاه های کارشناسان در مورد فقر اقتصادی در نظام های بهره برداری

بر اساس دیدگاه های کارشناسان، بهره برداران مشاعی بیشتر از سایر بهره برداران با فقر اقتصادی مواجه می باشند. ۶۵/۵ درصد پاسخگویان بر این مسئله تاکید نموده اند. هم چنین بر اساس پاسخ کارشناسان، بهره برداران دهقانی، اجاره داری و تعاونی تولید از نظر شدت فقر در رده های بعدی قرار دارند.

جدول ۷- فراوانی دیدگاه های کارشناسان در مورد فقر اقتصادی در نظام های بهره برداری

ردیف	نظام بهره برداری	فراوانی	درصد
۱	تعاونی تولید	۳	۷/۵
۲	تجاری (بزرگ-کوچک-متوسط)	۱	۲/۵
۵	دهقانی	۸	۲۰
۶	مشاعی	۲۴	۶۵/۵
۷	اجاره داری	۴	۱۰
	جمع کل	۴۰	۱۰۰

### دیدگاه های کارشناسان در مورد قابلیت سرمایه گذاری نظام های بهره برداری

از کارشناسان خواسته شد که نظام های بهره برداری استان را بر حسب قابلیت آنها در پس انداز درآمدهای کشاورزی و سرمایه گذاری رتبه بندی نمایند. ۸۲/۵ درصد کارشناسان اظهار نمودند که توانائی پس انداز درآمدهای کشاورزی بهره برداری های تجاری بیشتر از سایر بهره برداران می باشد و بهره برداران استیجاری، تعاونی تولید، دهقانی و مشاعی در رده های بعدی قرار دارند. نظر به وسعت مزارع تجاری و درآمد های آنها امکان پس انداز بخشی از درآمد های حاصله امری محرز به شمار می رود زیرا حجم درآمد واحدهای کشاورزی با وسعت آنها همبستگی دارد. بنابراین در نظام های بهره برداری دیگر که از وسعت کمتری برخوردار هستند بخش اعظم درآمدهای حاصله آنها صرف تامین نیازهای معیشتی و رفاهی اعضای خانوار و نیز تامین هزینه های جاری تولید شده و منابعی برای پس انداز و سرمایه گذاری باقی نمی ماند.

جدول ۸- دیدگاه های کارشناسان در مورد قابلیت پس انداز و سرمایه گذاری درآمدهای کشاورزی

ردیف	نظام بهره برداری	فراوانی	درصد
۱	تعاونی تولید	۳	۷/۵
۲	تجاری (بزرگ-کوچک-متوسط)	۳۳	۸۲/۵
۵	دهقانی	۱	۲/۵
۶	مشاعی	-	۰
۷	اجاره داری	۳	۷/۵
	جمع کل	۴۰	۱۰۰

بر اساس نتایج حاصل بهره برداران عضو تعاونی تولید در شرایط مناسبی از نظر دانش فنی قرار دارند و این نظام بستر مناسبی برای ارتقاء سطح مهارت های مدیریتی و دانش زراعی بهره برداران می باشد. ارتباط و تعامل دو سویه بهره برداران نظام بهره برداری تعاونی تولید و تجاری با نهادهای اجرائی و دولتی بخش کشاورزی نسبت به سایر بهره برداران وضعیت مطلوب تری دارد لذا می توان استنباط نمود که در نظام بهره برداری تعاونی و تجاری تمایل به تعامل با نهادهای دولتی و اجرائی بخش کشاورزی بیشتر می باشد که این امر می تواند در انتقال یافته های نوین علمی و نیز انعکاس مسائل و مشکلات زارعین مفید واقع شود.

غالب کارشناسان کشاورزی استان اذعان می نمایند که با اجرائی نمودن این سیاست، بهره برداران مشاع و دهقانی متحمل بیشترین آسیب پذیری شده و فعالیت حرفه ای و معشیتی آنها بطور قابل توجهی تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. کاهش و یا حذف یارانه نهاده های کشاورزی، بخشی از سیاست آزادسازی اقتصادی به شمار می رود که بر مبنای آن، در سالهای اخیر دولت در یک فرایند تدریجی مصمم به کاهش و یا حذف یارانه ها و واقعی سازی قیمت نهاده ها و محصولات کشاورزی است. از دیرباز دولت متولی اصلی بخش کشاورزی، تامین و توزیع نهاده های مهم کشاورزی مانند سموم، کودهای شیمیائی و ماشین آلات کشاورزی بوده و آنها را با قیمت های غیر واقعی و توأم با یارانه در اختیار بهره برداران قرار می دهد تا از آنها حمایت های مختلف قیمتی و غیر قیمتی به عمل آورد لذا هر گونه تغییر در این سیاست، فعالیت اقتصادی و معیشت بهره برداران را تحت تاثیر قرار خواهد داد اما با توجه به وجود انواع نظام های بهره برداری انتظار می رود که بازخورد این سیاست در نظام های بهره برداری مختلف یکسان نباشد و هر یک از آنها با شدت و ضعف متفاوت با آثار آن مواجه شوند.

در مورد میزان تغییر کاربری در مزارع نظام بهره برداری تجاری بزرگ بیشتر بوده و نظام های مشاعی، دهقانی و تعاونی تولید در رده های بعدی قرار دارند. با توجه به وسعت اراضی واحد های تجاری به نظر می رسد که این پدیده در مزارع مذکور بدیهی می باشد زیرا میزان وابستگی بهره برداران دهقانی، مشاعی و تعاونی تولید به اراضی زراعی حیاتی بوده و تمایل آنها برای تغییر کاربری اراضی کمتر است. وابستگی و علائق این بهره برداران به جامعه روستائی و نیز محدودیت فرصت های اشتغال غیر کشاورزی برای آنها از مهم ترین دلایل این پدیده می تواند باشد لذا می توان کمتر با تغییر کاربری در این نظام های بهره برداری مواجه شد.

بر اساس نتایج حاصل شدت مکانیزاسیون در نظام های بهره برداری تجاری بیشتر از سایر نظام ها بوده و نظام تعاونی تولید در رده دوم قرار دارد. با توجه به وسعت مزارع تجاری و مسائل مدیریتی خاص آنها، کاربرد بیشتر ماشین آلات و ادوات کشاورزی و نیز تاسیسات زیربنائی در این نظام ضروری به نظر می رسد. از سوی دیگر با توجه به ساختار نظام بهره برداری تعاونی تولید و حمایت های صورت گرفته از این نظام بهره برداری، سرمایه گذاری زیرساختی و نیز توانائی تعاونی ها در دسترسی به منابع مالی و اعتباری، می توان انتظار داشت که روند مکانیزاسیون مزارع تعاونی نیز با وضعیت مطلوبی صورت گیرد زیرا در این نظام بهره برداری تامین و ارائه خدمات مکانیزه و ماشینی به صورت گروهی و تعاونی صورت می گیرد در حالی که سرمایه گذاری در این امور از عهده هر یک از بهره برداران به تنهایی خارج است.

بر اساس نقطه نظرات کارشناسان، فقر اقتصادی نزد بهره برداران نظام مشاعی بیشتر از سایر بهره برداران می باشد و بهره برداران دهقانی، استیجاری و تعاونی تولید از نظر شدت فقر و نیز دسترسی به درآمد کافی در رده های بعدی قرار دارند. کسب درآمد کافی و مطمئن می تواند در تثبیت و تداوم فعالیت واحدهای کشاورزی تعیین کننده باشد. درآمد کافی علاوه بر تامین هزینه های تولید و منابع مورد نیاز سرمایه گذاری در ایجاد رفاه و فراهم سازی نیازهای معیشتی خانوار بهره برداران نقش مهمی ایفا می نماید.

از نقطه نظر کارشناسان کشاورزی توانائی پس انداز در نظام های بهره برداری تجاری بیشتر از سایر بهره برداری ها می باشد و از این حیث بهره برداری های استیجاری، تعاونی تولید، دهقانی و مشاعی در رده های بعدی قرار دارند. پس انداز بخشی از درآمدها و تبدیلی آنها به سرمایه هرچند موجب کاهش مصرف فعلی می شود، اما می توان با افزایش و حفظ ظرفیت تولید و توانائی واحد اقتصادی، در آینده میزان بیشتری درآمد و مصرف را محقق نمود. لذا بدون پس انداز و سرمایه گذاری تداوم فعالیت واحدهای اقتصادی و افزایش ظرفیت تولید افزون تر امکان پذیر نخواهد بود. نظر به وسعت مزارع تجاری و درآمد های آنها امکان پذیری پس انداز بخشی از درآمد های حاصله امری محرز به شمار می رود زیرا درآمد های کشاورزی را می توان متناسب با وسعت مزارع دانست. لذا با افزایش وسعت مزارع می توان

انتظار داشت که بر درآمد آنها افزوده شود. بنابراین در نظام های بهره برداری دیگر که از وسعت کمتری برخوردار هستند بخش اعظم درآمدهای آنها صرف تامین نیازهای معیشتی و رفاهی اعضای خانوار و نیز تامین هزینه های جاری تولید می شود.

## پیشنهادها

۱. توسعه تعاونی های تولید کشاورزی با بهره گیری از تجربیات موفق و نیز شناسایی موانع و محدودیت های کارکرد مطلوب آنها می تواند در تحول بخش کشاورزی استان و استقرار نظام بهره برداری مطلوب و کارآمد نقش اساسی ایفا نماید.

۲. با اتخاذ و تداوم سیاست واقعی سازی قیمت نهاده های کشاورزی، بهره برداری های مشاعی و دهقانی متحمل بیشترین آسیب های اقتصادی خواهند شد لذا فراهم سازی بسترهای مناسب حمایت های غیر قیمتی به ویژه اعتباری، نهادی، آموزشی، بیمه ای و درآمدی با مشارکت بهره برداران می تواند در تطبیق آنها با تحولات آتی اقتصاد ملی و جهانی تاثیر گذار باشد.

۳. توسعه مکانیزاسیون در بهره برداری های دهقانی، مشاعی و استیجاری می تواند ضمن تسهیل عملیات زراعی، موجبات کاهش هزینه های تولید و افزایش درآمد را فراهم نماید. با توجه به عدم توجه اقتصادی تهیه ادوات و ماشین های کشاورزی در هر یک از این بهره برداری ها به تنهایی، ایجاد تشکل های صنفی و خدمات زراعی می تواند مدنظر قرار گیرد.

۴. با توجه به اهمیت سرمایه گذاری و عدم سرمایه گذاری قابل توجه در بهره برداری دهقانی، مشاعی و تجاری کوچک، می بایست در جهت کاهش موانع ساختاری سرمایه گذاری در این نوع بهره برداری ها تلاش گردد. سرمایه گذاری زیربنائی توسط دولت با مشارکت بهره برداران، اصلاحات ساختاری مانند یکپارچه سازی و ادغام مزارع در بلند مدت وتشکل بهره برداران در قالب تعاونی های تولید می تواند بخشی از راهکارها باشد.

۵. فراهم نمودن زمینه های تعامل هر چه بیشتر بهره برداران دهقانی، مشاعی و استیجاری با نهاد های اجرائی، آموزشی و تحقیقاتی، توانمندی آنها را در برخورداری از توان کارشناسی، علمی و خدماتی نهادهای مذکور افزایش خواهد داد.

۶. بهره برداران مشاعی دهقانی استیجاری و تعاونی تولید کمترین سطح برخورداری از ادوات و ماشین های کشاورزی اختصاصی را دارا می باشند. با توجه به عدم توجه اقتصادی و مالی تملک اختصاصی ادوات و ماشین های کشاورزی در مزارع کوچک، ایجاد و گسترش تشکل های خدمات ماشینی و تجهیز مستمر آنها می تواند در ارائه خدمات ماشینی به این نوع بهره برداران نقش سازنده ای را ایفا نماید.

## منابع

۱. آبیاری، نور محمد (۱۳۷۹). تاثیر تعاونی های تولید کشاورزی استان گلستان بر افزایش کارایی فنی بهره برداران عضو، گزارش نهائی طرح تحقیقاتی، شماره ۸۰/۶۶۷ تهران: سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی.
۲. آبیاری، نور محمد (۱۳۸۲) تحول نظام بهره برداری دهقانی، ضرورت توسعه بخش کشاورزی ایران، تهران: اولین همایش نظام های بهره برداری کشاورزی در ایران.
۳. ازکیا، مصطفی (۱۳۶۹). تحلیل مبانی و نظریه های نظام بهره برداری و روند تحول آنها با تاکید بر جامعه روستائی ایران. مجموعه مقالات اولین همایش نظام های بهره برداری. تهران. وزارت جهاد کشاورزی

۴. اسلامی، علی رضا (۱۳۸۲). مروری کوتاه بر عملکرد شرکت تعاونی در تولید روستایی در گذشته و حال. تهران: اولین همایش نظام های بهره برداری کشاورزی در ایران.
۵. پاک نیا، شهریار (۱۳۸۴). شرکت های سهامی زراعی، روند تاریخی، ساختار فنی و رویکردهای نوین. تهران: معاونت ترویج و نظام های بهره برداری. وزارت جهاد کشاورزی.
۶. پاک نیا، شهریار (۱۳۸۴). بنیادهای قانونی و سیاستی خودگردانی تعاونی های تولید روستائی. تهران. معاونت ترویج و نظام های بهره برداری. وزارت جهاد کشاورزی.
۷. پور گنجی، ابوالفضل (۱۳۸۲). بررسی نقش دولت در تحول نظام های بهره بر داری. تهران: اولین همایش نظام های بهره برداری. وزارت جهاد کشاورزی.
۸. جوادیان، ابوالفضل وفرزانه، داریوش (۱۳۸۲). بیمه محصولات کشاورزی و نظام های بهره برداری موجود در کشور. تهران: اولین همایش نظام های بهره برداری کشاورزی ایران، وزارت جهاد کشاورزی.
۹. دفتر امور کشت و صنعت ها (۱۳۶۷) شناختی از واحدهای تحت نظارت حوزه معاونت امور واحدهای تولیدی و کشت و صنعتها و عملکردهای تولیدی و اجرایی مربوطه طی سالهای ۶۶-۱۳۶۲. دفتر امور کشت و صنعت ها. تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
۱۰. زمانی فراهانی، مجتبی (۱۳۵۸) بررسی واحدهای کشت و صنعت، تهران: بانک مرکزی.
۱۱. شریف پور، داود (۱۳۷۲). جایگاه واحدهای دهقانی در نظام های بهره برداری کشاورزی ایران. تهران: معاونت امور نظام های بهره برداری. وزارت جهاد کشاورزی.
۱۲. عبداللهی، محمد (۱۳۷۷). نظامهای بهره برداری. تهران: وزارت جهاد کشاورزی. معاونت امور نظام بهره برداری. دفتر طراحی نظام بهره برداری.
۱۳. علیزاده قمصری، محمد (۱۳۸۲) نگرشی بر توانمندی نظام بهره برداری در توسعه و تحول بخش کشاورزی با رویکردی برتعاونیهای تولید روستایی، تهران: اولین همایش نظام های بهره برداری کشاورزی.
۱۴. عمانی، احمد رضا و چیذری، محمد (۱۳۸۲) تاثیر عضویت در تعاونی های تولید روستائی بر سطح ویژگیهای فنی اقتصادی و اجتماعی گندمکاران استان خوزستان. تهران: اولین همایش نظام های بهره برداری کشاورزی.
۱۵. مرکز آمار ایران (۱۳۷۲) سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۲. تهران: مرکز آمار ایران.
۱۶. ملانوری شمسی، هادی (۱۳۷۱) تعاونیهای تولیدی در بخش کشاورزی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد.
۱۷. ملک، حسین و علیمراد، محمود (۱۳۵۶) گزارش سفر خوزستان و مطالعه نظام های کشاورزی سنتی، شرکت های سهامی زراعی و کشت و صنعت ها، تهران: مرکز تحقیقات روستائی و کشاورزی.
۱۸. محرابی، حسین و گیلانپور، امید (۱۳۸۴) بررسی رابطه بین اندازه مزرعه با سطح مکانیزاسیون و بهره وری ماشین آلات کشاورزی در محصولات زراعی استان کرمان، خلاصه مقالات پنجمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، زاهدان.
۱۹. نجفی. بها الدین (۱۳۸۲) تحولات نظام بهره برداری کشاورزی در ایران. نگاهی به تعاونی های مشاع. فصلنامه پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه.
۲۰. نجفی، بها الدین (۱۳۸۴). بررسی امکانات توسعه خدمات بازاریابی شرکتهای تعاونی روستائی در ایران. پنجمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران. زاهدان.
۲۱. معاونت فنی و مهندسی (۱۳۶۴) مطالعه مقدماتی نظام ها و شیوه های تولید در مناطق روستائی ایران. تهران: وزارت جهاد کشاورزی.

22. Ahmad, M. (2002) . Measurement and source of technical efficiency of land tenure contracts in Ethiopia, *Environment and development economics.* (7), 507-527
23. Carrett, M.A. and XU, Z.(2002). The efficiency of sharecropping: evidence from the post bellum south. *Southern Economic Journal* (69), 5.78-598.
24. Farhat, M. (2003). The Role of agricultural cooperatives in agricultural development of minutia government, Egypt.
25. Holden, S. and yohannes, H.(2001). Land distribution, tenure insecurity and intensity of production .Working Paper No.21.International Food Policy Research Institute, USA.
26. Obwona, M. (2006). Determinants of technical efficiency different amongst small-and medium-scale farmers in Uganda: A case of tobacco growers. Research paper, NoO.152. African Economic Research Consortium, Nairobi
27. Rios, A.R. (2005). Farm size nonparametric efficiency measurements for coffee farms in Vietnam. American Agricultural Economics Association Annual Meeting
28. Tesfay, G. Ruben, R. Pender, J and Kuyvenhouven, A. (2005). Resource use efficiency on own and sharecropped plots in northern Ethiopia: determinants and implications for sustainability .International workshop on sustainable poverty in les-favored areas. International Food Policy Research Institute, USA
29. Vanzyl, J. and Binswanger, H. (1995). The relationship between farm size and efficiency in South African agriculture. Working paper, No.1548.World Bank.

# **Analyzing agricultural experts' perspectives of certain characteristics of farming systems A Case of Golestan Province**

M. R. Mahboobi<sup>1</sup>, N. M. Abiyar<sup>2</sup>

<sup>1</sup> Assistant professor and Faculty member of Gorgan University of Agricultural Sciences and

<sup>2</sup> Research staff and academic member of Agricultural and natural resources, research center of Golestan Province

## **Abstract**

This research is aimed at recognizing agricultural experts' perspectives of some characteristics of farming systems in Golestan Province. The foregoing aspects include intensity of mechanization, savings potential, investment, poverty, land use change, vulnerability to policy of economic adjustment, interaction with government institutions, and technical knowledge of farming system beneficiaries. The methodology of the approach was a descriptive survey type. The target population included all agricultural experts of extension service centers in Golestan province including 40 individuals who were selected using random sampling method. Data were collected through a questionnaire and were analyzed using SPSS/WIN. According to views expressed by majority of agricultural experts, technical knowledge, farming skills, and interaction of beneficiaries of cooperative systems with governmental and executive institutions of agricultural sector were more desirable than the other farming systems. Also majority of agricultural experts believed that intensity of mechanization, saving ability of agricultural incomes and land use change in great commercial farming systems were more than those of other farming systems. Also majority of them assessed amount of poverty in joint systems more than the other farming systems. This study recommended adopting a policy for true pricing of agricultural inputs and to bring about suitable beds such as non-price supports, especially credit, institutional, educational, insurance and income in participation with peasants aiming at tailoring them to future changes in national and global economic settings.

**Key words:** Agricultural experts, Farming system, Characteristics, Golestan province